فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره هجدهم (بهار ۱۴۰۳)

سبک مدیریت مستبدانه
و بررسی تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

(تاریخ ارسال ۱۴۰۲/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۳/۱۷)

هانیه کرمی[۱]
کارشناسی، رشته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه
حامد میرزایی

چکیده

در هر محیطی برای رسیدن به اهداف مورد نظر، مدیریت و سبک اداره آن امری بسیار تاثیر گذار و اجتناب ناپذیر است. بالاخص در محیط های آموزشی که یکی از مهمترین اهداف حضور دانش آموزان یادگیری و تربیت می باشد. ایجاد بستر مناسب برای سازمان دهی فرآیند یاد دهی و یادگیری، نقش رهبری آموزشی را در اثر بخشی فعالیت معلمان پررنگ تر می سازد. معلمان محترم در هر جامعه ای یک صنف پر اهمیت بوده و دارای نقش ارزنده و قابل ملاحظه ای می باشند. معلم درصورتی میتواند تدریس اثر بخش داشته باشد، که بتواند با شیوه های متعدد کلاس درس را مدیریت کند و تمام تمرکز و حواس دانش آموزان را به خود جلب کند پژوهشگران به طور کلی مدیریت کلاس درس را به عنوان طیف گسترده ای از تلاش های معلم برای نظارت بر تعامل اجتماعی و رفتار دانش آموزان توصیف می کنند. مدیریت به ساختارها و قوانین رفتار دانش آموزان و تلاش برای اطمینان از این که دانش آموزان با این قوانین موافقت می کنند اشاره دارد و دو هدف اساسی آن؛ اطمینان از ایمنی مربیان و فراگیران و ایجاد محیطی که منجر به تدریس و یادگیری گردد، می باشد در این مقاله سعی شده است بر یکی از انواع سبک های مدیریت کلاس (سبک مستبدانه) و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پرداخته شود.

واژگان کلیدی: آموزش، سبک، مدیریت کلاس، مدیریت مستبد، پیشرفت تحصیلی

---

[۱] نویسنده مسئول

مقدمه

آموزش بخش مهمی از مسئولیت های بسیاری از متخصصان دانشگاهی است. این در حالی است که اغلب کمترین توجه در طول تحصیل به این امر معطوف می گردد (جانسون، دیلی لو، گاربین، ۲۰۱۰). از تمام فعالیت هایی که نقش یک معلم را تشکیل می دهند، مدیریت کلاس درس و حفظ نظم و انضباط آن یکی از مهمترین هاست (لویس، ۱۹۹۹) اداره صحیح کلاس درس از مسائل مهم آموزشی است؛ زیرا از این طریق معلم می تواند رفتارهای مخرب و مزاحم را اصلاح نماید وبا ایجاد محیطی آرام و بدون تنش و درگیری شرکت دانش آموزان را در فعالیت های یادگیری افزایش دهد. اداره کلاس درس به نحوی موثر فعالیت های یادگیری را در دانش آموزان به حداکثر می رساند. در آموزش شاگرد محور دانش آموزان اغلب مشغول کار گروهی و یا کار بر روی پروژه های تحقیقی، نوشتن، آزمایش کردن و سایر فعالیت های فردی و گروهی هستند. و در جریان آموزش یادگیرنده محور، همچنین این تمایل وجود دارد که معلم بیشتر راهنما و هدایتگر گروه و نیز تسهیل کننده باشد. در نتیجه در این نوع آموزش، اداره کلاس درس معنی دار نیست و عمدتاً اداره کلاس درس مربوط به آموزش معلم محور می شود زیرا در روش های این نوع آموزش است که دانش آموزان اغلب به طور گروهی در کلاس درس حضور می یابند و برای استفاده از تدریس معلم باید مقررات کلاس را رعایت کنند (شعبانی،۱۳۹۶) صرف نظر از اینکه معلم با چه روشی آموزش می دهد و اهداف اواز آموزش چه هستند، لازم است کلاس درس را به صورت موقعیتی مناسب برای یادگیری درنظر آورد. به اقداماتی که معلم بدین منظور انجام میدهد اداره کلاس درس (مدیریت کلاس درس) میگویند. تعاریف متعددی از اداره کلاس درس ارائه شده است که در ادامه برخی از آنها را از نظر می گذرانیم. وولفلک (۲۰۱۴) اداره کلاس درس را مورد استفاده قرار دادن فنون ایجاد و حفظ یک محیط سالم و خالی از مشکلات رفتاری می داند. فتسکو و ممککلور۲۰۰۵) اداره کلاس درس را شامل «اقداماتی که معلم برای ایجاد یک محیط سازنده به کار می گیرد» بیان می کند. پرداخت چی

مدیریت را کار کردن با افراد و به وسیله ی افراد و گروه ها برای تحقق اهداف سازمانی بیان میکند. او همچنین مدیریت را مجموعهی فرآیندهای می داند که از طریق آن ها منابع انسانی و مادی مناسب و مورد نیاز فراهم می گردد و از طریق نفوذ به رفتار و افراد در جهت تحقق اهداف سازمان اثر بخش می گردد. صفوی مدیریت کلاس درس را رهبری کردن امور کلاس درس از طریق تنظیم برنامه ی درسی سازمان دهی مراحل و کار و منابع سازماندهی محیط به منظور بالا بردن کارآیی نظارت بر پیشرفت دانش آموز و پیش بینی مسائل بالقوه می داند (شعبانی،۱۳۹۶).

در پاره ای از تعریف ها سبک مدیریت، شیوه ای است که معلم برای کنترل دانش آموزان به کار می برد (ارشد داهار، فیض، نایواز، اطهر حسین، زمان، ۲۰۱۰). مدیریت معلم بر تضمین کیفیت و کمیت آموزش و ارائه و تنظیم کار در هر دو سطح سایت و سیستم متمرکز شده است. معلمان نیازمند دانش متناسب با موضوع، مهارت ها و نگرش های حرفه ای و توانایی کار به طور مؤثر برای انتقال دانش به دانش آموزان و دستیابی به اهداف برنامه ریزی شده نظام آموزشی هستند. بر همین اساس دو نگرانی کلیدی در مدیریت معلم این است که:

۱- چگونه ابتکارات معلم می تواند اطمینان حاصل کند که معلمان به طور مؤثر برای رسیدن به اهداف برنامه ریزی شده وتحویل دانش در کلاس های درس فعالیت کرده اند و ۲- چگونه تلاش های مدیریتی معلم از جمله آموزش و ارائه معلمان، کیفیت و استانداردهای حرفه ای، محیط زیست و آموزش، می تواند بهبود یابد تا اطمینان حاصل شود که معلمان به اهداف سیستم برنامه ریزی شده دست یافته اند (چانگ، ۲۰۰۹). مدیریت کلاس یک فرایند چرخشی است که شامل طراحی پیشرفته، اجرا، ارزیابی در طول اجرا و ارزیابی نهایی است که عوامل مربوط به فراگیران و محیط آن ها را در نظر می گیرد و موجب پیشرفت در فعالیت های انجام شده برای یادگیری و سلامت عاطفی فراگیران در کلاس می شود (تال، ۲۰۱۰). مدیریت کلاس درس مبتنی بر دو موضوع مجزا است. اولین

مسئله این است که چگونه یک پروژه یادگیری مبتنی بر فعالیت را طراحی نماییم تا بتوانیم یادگیری و رفتار مثبت یادگیرنده را به حداکثر برسانیم و مسئله دوم در انواع موضوعات مرتبط با مدیریت کلاس درس با گروهی از دانش آموزان در همکاری با یکدیگر، نهفته است. مدیریت کلاس مبتنی بر تعامل فعال وکنترل هرج و مرج است (مورگان و اسالگ، ۲۰۱۳) اهداف عمده مدیریت کلاس درس از نظر «بیکر و ستراپ» (۲۰۰۰) شامل موارد زیر است:

- برنامه ریزی درسی بر پایه آمیزه ای از تنوع و هدف
- ارائه دستور العمل های شفاف به دانش آموزان در مورد فعالیت های درسی
- هدایت و نظارت بر یادگیری و فعالیت های دانش آموزان
- به کارگیری ابزارهای آموزشی و منابع یادگیری و تدریس
- حرکت منطقی از یک مرحله از تدریس به مرحله دیگری از تدریس
- زمانبندی فعالیت های کلاسی و ایجاد توازن در آنها
- شروع و خاتمه هدفمند درس (تاج الدین،۱۳۸۲).

در هر سازمانی مدیر به عنوان رکن اصلی و اثرگذار در بالندگی و دست یابی به اهداف آن سازمان محسوب شده و این موضوع در سازمان های آموزشی نمایان تر و حساس تر می باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱). عسکری (۱۳۸۹)، مدیریت را فعالیتی منظم می داند، که در جهت تحقق هدف های معین و از طریق ایجاد روابط میان منابع موجود، انجام دادن کار با مشورت افراد دیگر و شرکت فعال در تصمیم گیری صورت می گیرد.

هر مدیری در جریان مدیریت خویش، از سبک ویژه ای بهره می گیرد که این سبک در واقع مجموعه الگوهای رفتاری وی میباشد که در جریان کار و فعالیت های پیوسته بروز می کند و دیگران به موجب آن او را می شناسند. سبک مدیریتی مدیر برحسب ویژگی های شخصیتی، ادراکات خود او و ادراکات دیگران و به خصوص زیردستان تعریف می شود و با توجه به سبک های مدیریت و ویژگی های شخصیتی آنان، نحوه رفتار مدیر با افراد تعیین

می شود که می تواند بر بهداشت روانی افراد از اهمیت بسزایی برخوردار باشد (حقانی و همکاران، ۱۳۸۹). سبک ها همان رفتار و روابطی است که میان افراد برقرار می شود. این سبک ها رابطه تنگاتنگی با روابط انسانی در سازمان های آموزشی دارند (میرکمالی، ۱۳۸۸). سبک رهبری یک فرد عبارت است از الگوی رفتاری که وی هنگام هدایت دیگران از خود نشان می دهد. این الگو عموماً شامل رفتار وظیفه مدار یا رفتار رابطه مدار یا ترکیبی از این دو است (امیرکبیری، ۱۳۸۵). سبک های مدیریتی عوامل اصلی برقراری روابط با دیگران به حساب می آید. اگر مدیران سبک های مدیریتی خود را مبتنی بر ملاحظات انسانی و رعایت نیازها و اقتضائات سنی کودکان، نوجوانان و جوانان انتخاب کنند، بدین وسیله می تواند نیازهای تعلق، دوست داشتن، قدر و منزلت، احترام، مقام و موقعیت و شناخت آنها را تأمین کنند. معمولاً در سبک های دستوری و آمرانه نیازهای معلمان و دانش آموزان در درجه اول، اولویت نیست و تأکید مدیر بیشتر بر قواعد و رویه های اداری است. در سبک های مشارکت جویانه و حمایتی، مدیران به اظهار نظرها و اظهار وجود دانش آموزان، معلمان و کارکنان بسیار اهمیت می دهند. بر پایه پژوهش های انجام شده، سبک متناسب با سازمان های آموزشی، سبک حمایتی و مشارکتی می باشد (میرکمالی، ۱۳۷۸)

بخش اول: هدف های مدیریت کلاس

هدف های عمده ی مدیریت کلاس شامل موارد زیر است:

الف) برنامه ریزی درسی بر پایه ی آمیزه ای از تنوع و هدف

ب) ارائه ی دستورالعمل های شفاف به دانش آموزان در مورد فعالیت های درسی

ج) هدایت و نظارت بر یادگیری و فعالیت های دانش آموزان

د) به کارگیری ابزارهای آموزشی و منابع یادگیری و تدریس

ه) حرکت منطقی از یک مرحله ی تدریس به مرحله ی دیگر

و) زمان بندی فعالیت های کلاس و ایجاد توازن در آن ها

ز) شروع و خاتمه هدفمند درس

جو کلاس، محیطی است که توسط استادان و معلمان، همکلاسی ها و سایر عوامل مدارس یا دانشگاهی خلق می شود و زمانی که کلاس به لحاظ فیزیکی، عاطفی، هیجانی، احساسی و تحصیلی و...، نامطبوع و نامساعد باشد، دارای جوی منفی است. این شرایط بر رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی و یادگیری دانش آموزان تأثیر زیانباری می گذارد. یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر جو کلاس،ساختار نظم و توانایی معلم در ایجاد نظم در کلاس است. به احساس معلم نسبت به توانایی خود در ایجاد و کنترل نظم در کلاس،خودکارآمدی مدیریت نظم کلاس گفته می شود (سیف،۱۳۹۴) اردوگان معتقد است که رفتار همراه با احساس احترام و توجه معلم،در اصلاح رفتار دانش آموزان مؤثر است و برعکس ارجاع دانش آموزان به مدیر مدرسه، فرستادن آنان به بیرون از کلاس، و ماندن در راهرو بدون نظارت، بی توجهی نسبت به مشکلات دانش آموزان و شکایت کردن از آنان؛ از جمله رفتارهای منفی معلمان به شمار می رود که تأثیری نامطلوب بر دانش آموزان می گذارد. بی انضباطی مشکلات متعددی را برای دانش آموزان به وجود آورده، زمینه ناکامی آنان را فراهم می آورد. این ناکامی را حتی میتوان در عملکرد معلمان و میزان پرخاشگری در آنها مشاهده کرد. بنابراین، خودکار آمدی معلم در مدیریت نظم کلاس می تواند از بروز این مسائل جلوگیری کرده، جوّ بهتری را برای کلاس به وجود آورد. معلمانی که درمدیریت نظم کلاس خودکار آمدی بالایی دارند، چهار اصل را در برخورد با دانش آموزان درنظرمی گیرند نخستین اصل این است که رفتار دانش آموز را به طور دقیق شناسایی و علت یابی می کنند، سپس اهداف و انگیزه های بدرفتاری دانش آموز را در رویارویی با یک موقعیت کلاسی و یا انجام یک رفتار خاص شناسایی می کنند؛ در مرحله بعد، به منظور اصلاح رفتار دانش آموز میکوشند راهبردی مناسب داشته باشند و در نهایت، از همکاران مدرسه یا والدین دانش آموز برای اجرای بهتر راهبرد خود کمک میگیرند (وفا،۱۳۹۳) بسیاری از مواقع، ما شاهد هستیم که معلمان از شیوه های بسیار مناسب و خلاقانه ای برای تدریس مطالب کلاسی استفاده می کنند؛ اما این شیوه ها اثرگذاری لازم را ندارند و معلم پس از

مدتی چون کارایی آنها را در عمل نمی بیند، ناامید شده، از آنها استفاده نمیکند. بررسی دلایل احتمالی این موضوع نشان می دهد، احتمالاً یکی از دلایل مهم این مسأله این است که معلم در کنار شیوه های تدریس، در کنترل جو کلاس و نظم حاکم بر آن ناتوان بوده و به علت از هم پاشیدگی نظم وقوانین حاکم بر کلاس، دانش آموزان در دریافت مطالب ناتوان عمل کرده، شیوه تدریس اثربخشی خود را از دست میدهد (اسماعیلی،۱۳۹۱) اما یکی از متغیرهایی که بر خودکار آمدی معلم در مدیریت نظم کلاس نقش دارد، منبع کنترل شخصی معلم است. منبع کنترل در چهارچوب نظریه راتر مطرح می شود. منبع کنترل به میزان اعتقاد فرد در مورد کسب پاداش از طریق کوشش شخصی اطلاق می شود. افرادی که از منبع کنترل درونی برخوردارند، بر این باورند که کنترل کافی بر زندگی خود و رویدادهای آن را دارند و مطابق همین باور نیز رفتار می کنند. با توجه به این تعریف، معلمانی که از منبع کنترل درونی، برخوردارند، معتقدند که علت آنچه در کلاس درس رخ میدهد (چه رویدادهای مثبت و چه منفی)، ناشی از فعالیتها و ویژگیهای شخصی خودشان است و بنابراین، خود نیز می توانند آن را تحت کنترل بگیرند؛ اما برعکس، معلمانی که دارای منبع کنترل بیرونی هستند، معتقدند که وضعیت تحصیلی دانش آموزان و آنچه در کلاس درس اتفاق می افتد، ناشی از عوامل مختلفی است که بسیاری از این عوامل از کنترل آنها خارج است. مدیریت نظم در کلاس درس باعث می شود که مرزهای بین دانش آموزان با یکدیگر و مرزهای بین معلم و دانش آموزان نه آنقدر انعطاف ناپذیر و خشک باشد که هیچ گونه ارتباط متقابل نزدیکی بین افراد در کلاس شکل نگیرد؛ و نه آنقدر باز و نفوذپذیر باشد که قاعده ها، اصول و حرمت های بین دانش آموزان و معلم خدشه دار شود و ارتباطات نامناسب و خارج از معمول بین دانش آموزان و معلم در کلاس شکل بگیرد (سیف،۱۳۹۴).

بخش دوم: نگاهی به علت پیچیدگی مدیریت کلاس از دیدگاه اندیشمندان

علت پیچیدگی مدیریت کلاس از نظر جکسون ناشی از چند خاصیت تدریس در کلاس است که عبارتند از:

۱- کلاس درس چند بعدی است. کلاس موقعیتی است که فعالیت های چند بعدی در آن ایجاد می شود. دامنه آن از فعالیت های تحصیلی مانند خواندن، نوشتن، حساب کردن تا فعالیت های اجتماعی مانند: بازی کردن، ارتباط با دوستان، و گفتگو را شامل می شود.

۲- فعالیت ها همزمان رخ می دهند. بسیاری از فعالیت های کلاسی به صورت همزمان جریان دارند. گروهی از دانش آموزان ممکن است پشت میز خود در حال نوشتن باشند، گروهی دیگر ممکن است در حال نقل داستانی برای معلم باشند، و یکی دیگر ممکن است با دیگری درحال دعوا کردن باشد و...

۳- وقایع در کلاس به سرعت رخ می دهند. وقایعی که در کلاس به سرعت رخ می دهند معمولاً به یک پاسخ فوری نیاز دارند. مانند جر و بحث کردن دو دانش آموز بر سر مالکیت دفترچه یادداشت و...

۴- وقایع اغلب غیر قابل پیش بینی نیستند. حتی اگر معلمی با دقت تمام فعالیت های روزانه را طراحی کند و سازماندهی داشته باشد، باز اتفاقاتی رخ خواهد داد که هرگز انتظار آن نداشته است، مانند بیمار شدن ناگهانی یک شاگرد و...

۵- مسائل محرمانه کمی وجود دارد. کلاس یک مکان عمومی است که شاگردان به نحوه برقراری نظم هنگام وقوع مشکلات و وقایع غیر منتظره و خنثی کردن آن ها توسط معلم نگاه می کنند.

۶- کلاس برای خود تاریخ و سابقه ای دارد. شاگردان از آن چه قبلاً در کلاشان رخ داده است خاطراتی دارند. مثلاً آن ها به خاطر دارند که معلم چگونه با یک مشکل انضباطی برخورد کرده است.

در بررسی هایی که به منظور مطالعه رفتارهای نادرست در مدارس ابتدایی انجام شده است، انواع رفتارهایی که موجب برهم خوردن نظم کلاس و د رنتیجه اخلال در آموختن می شود، مشخص گردیده است:

۱- رفتارهای حرکتی: بلند شدن از جای خود، ایستادن، دویدن، راه رفتن در کلاس، جا به جا کردن میز و...

۲- رفتارهایی که موجب تولید صدا می شود: تولید صدا با دست، تولید صدا با پا، انداختن اشیا و نظایر آن. ج (رفتارهای تهاجمی: قاپیدن اشیا، انداختن کتاب بغل دستی، مشت زدن، هل دادن، گاز گرفتن، کشیدن مو.

۳- اظهارات نابجا: بی اجازه معلم جواب دادن، گریه کردن، جیغ کشیدن، آواز خواندن، بلند خندیدن و....

۴- صحبت کردن، بی اعتنایی، وضعیت نادرست بدنی، رفتار قدرت طلبانه و... (شعبانی، ۱۳۹۶)

بخش سوم: سبک های مختلف اداره کلاس درس

بر اساس یک دسته بندی، برای اداره کلاس درس سه سبک پیشنهاد شده است:

- سبک اقتدار گرایانه (دموکراسی قانون مدار)
- سبک مستبدانه (تحکم آمیز)
- سبک آزادگذاری (بی عنان، آسان گیری)

در کلاس درسی که با سبک مستبدانه یا تحکیم آمیز اداره میشود، تنها معلم است که بر کل کلاس حکومت میکند و هیچ شاگردی حق اظهار نظر ندارد. در این سبک مدیریت قوانین و مقرراتی وجود ندارد یا اگر هم وجود دارد به نفع معلم تعبیر و تفسیر میشود. از آنجا که دانش آموزان این گونه کلاسها آزادی، برابری و احترام متقابل را تجربه نمی‌کنند هیچ یک از این رفتار ها را نمیاموزند و تنها رفتار تحکم آمیز و اطاعت از بالاتر و زورگویی به پایین تر را ک از ویژگی های شاخص سبک استبدادی است یاد می گیرند.

پیشرفت تحصیلی یعنی این که از سطح مورد انتظار آموزشی برآورده شود و سازمان آموزش و پرورش به اهداف از پیش تعیین شده نزدیک تر شود. پیشرفت تحصیلی یعنی، افزایش میزان یادگیری، افزایش سطح نمرات و قبولی دانش آموزان در دروس و پایه تحصیلی.

بخش چهارم: عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی

عوامل مؤثر را در سه سطح فردی، خانوادگی، آموزشی می توان بررسی کرد.

الف: عوامل فردی

۱. هوشی و توانایی ذهنی: روان شناسان «هوش» را توانایی اتخاذ رفتارهای سازگارانه یا خالق تعریف میکنند. هوش معمولا زیر بنای توانایی یا ظرفیت یادگیری به حساب می آید.

۲. انگیزه: انگیزه یعنی، سبب علت و آن چه کسی را به کار وادار میکند. انگیزه یک عامل درونی است و به طور کلی موجود زنده را به حرکت در می آورد.

ب: عوامل خانوادگی

یکی از مهمترین نهادهای مؤثر در تربیت و رفتار آدمی را سازمان خانواده می دانند. زیرا خانواده اولین و با دوام ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان و زمینه ساز رشد جسمانی، اخلاقی عاطفی و عقلانی آنان است. والدین در شکل گیری نگرش فرزندانشان نسبت به تحصیل نقش دارند. نگرش مثبت به مدرسه و معلمان و تحصیل از متغیرهای اثر گذار سطح تحصیلات و میزان در آمد خانواده می باشد. مهمترین نقش والدین در زمینه ی پیشرفت تحصیلی ایجاد محیط آرام و مساعد برای مطالعه و انجام تکالیف است.

ج: عوامل آموزشی

۱- امکانات و فضای مناسب آموزشی

۲- برنامه ریزی آموزشی

۳- شیوه های تدریس دبیران

۱. امکانات و فضای مناسب آموزشی: استاندارد بودن اندازه ی کلاسها و تراکم دانش آموزان؛ بطور کلی مطالعات نشان میدهند که در کلاس های کم تراکم موفقیت دانش بیشتر نیست،

مگر آن که تراکم کلاس کمتر از ۱۵ نفر باشد که در این صورت امکان آموزش انفرادی فراهم میشود. نور کافی،سرما و گرمای لازم به موقع لزوم امکانات کارگاهی و آزمایشگاهی دسترسی به سایت های اینترنتی و غیره را میتوان جزو امکانات و فضای مناسب آموزشی تلقی نمود که در یادگیری دانش آموزان تأثیر دارند.

۲. برنامه ریزی های آموزشی: برنامه های آموزشی مدارس باید مناسب باشد. برنامه درسی هفتگی، برنامه ساعات معلمان و برنامه ی امتحانات باید بتواند مطلوب دانش آموزان و اولیاء و مربیان قرار بگیرد و از معلمان و دبیران در جای خود استفاده شود. در برخی مدارس به دلیل کمبود متخصص از غیر متخصص تدریس رشته های غیر مرتبط استفاده میشود. و یا برای رفع گیرِ برنامه و یا تکمیل ساعات یک دبیر از دروس غیر تخصصی استفاده میشود. این امر مسلماً مانع رشد و پویایی دانش آموزان میگردد. دو مقوله باید مورد توجه قرار گیرد. یکی تکنولوژی برنامه ریزی درسی و دیگری عوامل تعیین کننده برنامه درسی برنامههای درسی باید با دقت جرح و تعدیل شوند.

۳. شیوه های تدریس معلمان: در بسیاری از مدارس هنوز معلمان از روشهای سنتی مبتنی بر سخنرانی استفاده میکنند و دانش آموزان این گونه مدارس محکوم به نشستن و شنیدن هستند. بدون این که در فرایند یادگیری نقش داشته باشند و معلم متکلم وحده و فعال ترین عنصر یادگیری است و طبیعی است در چنین موردی حجم یادگیری بسیار اندک خواهد بود. پژوهشهای زیادی در ارتباط با روشهای تدریس و آنچه معلمان باید برای به دست آوردن پیشرفت بیشتر در امر فرایند یادگیری و یاددهی انجام دهند صورت گرفته است.

تجربه معلمان: معلمان با سابقه گرایش بیشتری به سمت پرورش مهارتهای آموزش و کلاس داری از خود نشان میدهند. آنها میزان وقتی را که برای امور اداری کلاس صرف میشود کاهش میدهند. آماده کردن درس و نمره دادن: معلمینی که برای آماده ساختن درس و

همچنین نمره دادن تکالیف درسی و کار کلاس دانش آموزان وقت گذاری میکنند نسبت به معلمین که این کار را انجام نمیدهند، دانش آموزان آنها نتایج بهتری کسب مینمایند.

مهارتها: معلمینی که در نظر دانش آموزان سخت گیرتر و متوقع تر هستند، معلمینی که توانایی برقراری سریع نظم را در کلاس دارا هستند، معلمینی که به روش نظام مند از کار خود ارزیابی میکنند و بر آنچه که یک دانش آموز یاد گرفته یا یاد نگرفته در برابر همه آنچه باید یاد میگرفت به درستی واقفند و به دانش آموزانی که مطالب را در بار نخست یاد نگرفته اند، فرصت فراگیری مجدد را میدهند و معلمینی که به دانش آموزان کمک میکنند تا میزان اهمیت مطالب را پی ببرند و بتوانند بین مطالب اصلی و فرعی تمیز دهند در معلمی موفق تر از معلمین دیگرند و دانش آموزان آنها از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردارند.

نتیجه گیری

علت پیچیدگی مدیریت کلاس ناشی از چندین خاصیت تدریس در کلاس است که عبارتند از: چند بعد گرایی (رویدادها و افراد گوناگون)؛ همزمانی (رویدادهای زیاد در یک زمان رخ می دهد)؛ فوریت (سرعت رویداد ها موجب محدودیت فکر کردن می شود)؛ (عدم قابلیت پیش بینی رویدادها و پیامدها)؛ عمومیت (رویدادها اغلب در حضور اکثر یا همه ی دانش آموزان رخ می دهد) و تاریخ (اقدامات و رویدادها دارای گذشته و آینده هستند). بسیاری از مواقع، ما شاهد هستیم که معلمان از شیوه های بسیار مناسب و خلاقانه ای برای تدریس مطالب کلاسی استفاده می کنند؛ اما این شیوه ها اثرگذاری لازم را ندارند و معلم پس از مدتی چون کارایی آنها را در عمل نمی بیند، ناامید شده، از آنها استفاده نمیکند. بررسی دلایل احتمالی این موضوع نشان می دهد، احتمالاً یکی از دلایل مهم این مسأله این است که معلم در کنار شیوه های تدریس، در کنترل جو کلاس و نظم حاکم بر آن ناتوان بوده و به علت از هم پاشیدگی نظم و قوانین حاکم بر کلاس، دانش آموزان در دریافت مطالب ناتوان عمل کرده، شیوه تدریس اثربخشی خود را از دست می دهد معلم باید از سبک مدیریت مناسب استفاده کنید چرا ک سبک مستبدانه مانع فعالیت دانش آموزان در کلاس

شده و آنها را از دانش آموزانی فعال به دانش آموزانی منفعل تبدیل میکنداگر دانش آموزان نتوانند در مباحث کلاس مشارکت داشته باشند، نسبت به یادگیری بی تفاوت شده و اشتیاق خود را از دست میدهند در نتیجه پیشرفت تحصیلی حاصل نخواهد شد.

تشکر و قدردانی

به این وسیله مراتب سپاس خود را از تلاش و زحمات ارزشمند و صادقانه سرکار خانم شهلا رضایی تقدیم می‌دارم.

از درگاه ایزد منان دوام عزت و سلامت،

تداوم حضور و تاثیر آن بزرگوار را در جامعه علمی مسئلت دارم.

منابع و مآخذ

۱. اسماعیلی، محمدرضا؛ کتابیان، شهره و شعله خداداد (۱۳۹۱)، رابطهٔ خودکارآمدی با سبک مدیریت کلاس معلمان تربیت بدنی آموزش و پرورش، شهر تهران. فصلنامه مدیریت رفتار.

۲. امیرکبیری، علیرضا (۱۳۸۵) رویکردهای سازمان و مدیریت و رفتار سازمانی. تهران: نشر نگاه دانش.

۳. تاج الدین، ضیاء (۱۳۸۲) مدیریت کلاس درس، نشریه تکنولوژی آموزشی، سازمان آموزش و پرورش، ش ۵.

۴. حقانی، محمود؛ عزیزی، حبیب؛ رسولی نژاد، عبدالحسین (۱۳۸۹) تاثیر سبکهای مدیریت و ویژگی های شخصیتی مدیران بر بهداشت روانی کارکنان سازمان ها و ادارات دولتی استان تهران. مجله فراسوی مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۸۷ -۱۶۳.

۵. خالدی خدیجه، خالدی منیژه، خالدی پروین، بررسی و واکاوی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی، کنگره پیشگامان پیشرفت.

۶. رمضانی، فرشاد (۱۳۹۳) بررسی روابط ساده و چندگانه هدفهای پیشرفت با اضطراب امتحان و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان پسر سال اول دبیرستانهای شهرستان ایذه. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

۷. سیف علی اکبر، روان شناسی پرورشی نوین، تهران، دوران، ۱۴۰۰.

۸. سیف، علی اکبر (۱۳۱۴) روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.

۹. شعبانی حسن، (۱۳۹۶)، مهارت های آموزش و پرورش؛ روش ها و فنون تدریس، انتشارات سمت، تهران. ۲۷.

۱۰. صادقی حسی بیگی صمد، بررسی سبک های موثر در بهبود مدیریت کلاس درس، چهارمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی.
۱۱. صفوی، امان الله، (۱۳۷۲). مدیریت کلاس، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش.
۱۲. قلخانباز زهرا (۱۴۰۲)، تاثیر سبک مدیریت کلاس درس بر یادگیری دانش آموزان چهاردهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
۱۳. گوکلانی معصومه، شکی هاجر، اشرفی طیبه، دیلم کتولی مسعود، عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، دومین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه.
۱۴. معنوی، داوود (۱۳۸۹) شیوه های مدیریت کلاس و مهارت های ارتباط با دانش آموزان.
۱۵. ملا محمد آغبالغی محمد هادی، زینی افشین، بافکار زهرا، حسین پور محمد، (۱۴۰۲)، مدیریت کلاس درس، سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
۱۶. میرکمالی، سید محمد (۱۳۷۸) روابط انسانی در آموزشگاه. تهران: نشر سیطرون.
۱۷. میلر، دبلیو. آر، و میلر، ماری. (۱۳۸۰) راهنمای تدریس در دانشگاه ها (ترجمه ویدا میری) تهران: سمت.
۱۸. وفا، شینا؛ ابراهیمی قوام، صغری و حسن اسدزاده، (۱۳۹۳) رابطه بین باورهای خودکارآمدی معلم و ادراک دانش آموز از جو کلاس درس با راهبردهای خودتنظیمی یادگیری و مقایسه آن در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه مدارس تیزهوشان و عادی شهر تهران. فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی.